امنیت جز با مشارکت جدی به دست نمی آید

علوی، سید عبدالجواد

تعیین چهارچوب امنیت انرژی به تعریف ارائه شده درباره‏ آن بستگی دارد.اما آنچه تا به حال از این بحث برداشت‏ می‏شود موضوع امنیت مصرف کننده انرژی است و کسی از امنیت تولید کننده سخن نمی‏گوید.یعنی امنیت تامین انرژی‏ را می‏خواهند ولی امنیت تامین کننده مدنظر قرار نمی‏گیرد.

آمریکا با 14 هزار دلار درآمد سرانه،حدود 25 درصد نفت جهان را در واقع می‏بلعد یعنی روزی 20 میلیون بشکه‏ باید به شریان‏های حیات اقتصادی این کشور نفت برسد.از طرف دیگر تامین این مقدار انرژی که همواره در حال‏ افزایش است،از منابع داخلی و از کشورهای آمریکایی لاتین‏ که در نزدیکی آمریکا قرار دارند امکان‏پذیر نیست.به همین‏ دلیل،از منطقه خاورمیانه می‏خواهند در تامین این نیاز ایفای‏ نقش کند.کشورهای منطقه هم برای کسب درآمد بیشتر درگیر مسئله می‏شوند تا با افزایش تولید،نیازهای جهانی را برآورده سازند.ولی بدون سرمایه‏گذاری،امکان افزایش‏ تولید وجود ندارد.توجه کنید که کشور ما برای افزایش‏ ظرفیت و رسیدن به تولید سالانه 6 تا 7 میلیون بشکه در روز به بیش از 50 میلیارد دلار سرمایه‏گذاری نیاز دارد.اگر کشورهای نیازمند به این انرژی در فکر امنیت تولید کننده‏

امنیت‏ جز با مشارکت‏ جدی‏ به دست نمی‏آید

سید عبد الجواد علوی

نباشند و تولید کنندگان نیز درصدد تامین بازاری باشند که‏ خود از امنیت آن بازار بهره‏ای نمی‏برند،نباید در فکر امنیت‏ بود.در واقع امنیت جز در قالب مشارکت جدی به دست‏ نمی‏آید.چه لزومی دارد که کشور،بدون داشتن امنیت، این میزان سرمایه‏گذاری کند.در حالی که کشوری مانند ژاپن با بهره بانکی صفر حاضر است ما را فاینانس کند.اگر ما مطمئن به امنیت تولید نباشیم چه سودی برای ما خواهد داشت که 50 میلیارد دلار سرمایه‏گذاری کنیم.

با توجه به نیازی که برای گردش چرخ اقتصادی از طرف‏ مصرف کننده وجود دارد این احتمال می‏رود که در صورت‏ برآورده نشدن نظرش به زور متوسل شود.باید توجه داشت‏ که امنیت عرضه و تقاضا در خلیج‏فارس با دریای شمال‏ متفاوت است.در حالی که در خلیج‏فارس همواره تشنج‏ وجود داشته ولی در دریای شمال خبری از درگیری نیست و تولید در شرایط امن صورت می‏گیرد.

در دریای شمال از این مشکلات وجود ندارد،بنابراین باید از امنیت عرضه مطمئن شد.در واقع امنیت عرضه و مصرف‏ به هم گره خورده است.

گذشته از نگاه بیرونی به امنیت،باید به مقوله‏هایی مانند سرمایه‏گذاری و اشتغال،رشد اقتصادی،مبارزه با بیکاری، افزایش صادرات غیر نفتی،تولید و صادرات محصولات‏ غیر نفتی،استفاده از صندوق ذخیره ارزی برای پشتیبانی از محصولات غیر نفتی اشاره داشت.این مجموعه مواردی است‏ که امنیت ملی ما را تضمین می‏کند که شورای عالی امنیت‏ ملی حتما مد نظر قرار می‏دهد.اگر در این راه موانعی را در وجود دارد می‏بایست به دلیل حفظ امنیت ملی آن را تغییر داد؛حتی تغییر قانون اساسی،کشور یک بار این موضوع را در بخش حکومتی تجربه کرد و آن زمانی بود که اختلاف نظر بین نخست وزیر و رئیس جمهور وقت مانع پیشرفت کار می‏شد که با حذف نخست وزیر،سیاست‏های کلان کشور در یک خط قرار گرفت.

در این جا این پرسش مطرح می‏شود که آیا برای حل مسائلی‏ به اهمیت مسئله جوانان و اشتغال نمی‏توان مثلا در قانون‏ سرمایه‏گذاری یا زمینه‏های دیگر اقتصادی تغییری لحاظ شود؟

 تا دیر نشده باید برای مجموعه امنیت و منافع ملی فکری‏ شود.در حال حاضر آمریکا هنوز از عراق مطمئن نیست؛ یعنی اگر آمریکا در برقراری امنیت در عراق توفیق یابد و از گردابی که در آن گرفتار آمده خلاصی یابد،بدون تردید وضع‏ برای ما هم متفاوت خواهد شد.زیرا هم اکنون امریکایی‏ها هم‏ از شرایط موجود در عراق انتقاد دارند و هم معتقدند که تفاوتی‏ بین عراق دوران صدام و عراق امروز از نظر بهره‏برداری از منابع نفتی وجود ندارد.

هم اکنون برای بهره‏برداری از نفت و گاز عراق باید منابع این کشور بازسازی شود.اگر تولید عراق شروع شود و امنیت برقرار گردد،همسایه‏ما،در مقام یک عضو اوپک، درصدد تولید به میزان بالا خواهد بود.بنابراین باید از هم‏ اکنون راهکاری اندیشید تا در آن زمان غافلگیر نشویم باید سیاست سرمایه‏گذاری در بخش بالا دستی صنعت نفت‏ را اعمال کنیم.

سرنوشت دنیا را نفت رقم می‏زند

مهدی ورزی

در تعریف امنیت انرژی باید به عواملی چند توجه داشت.

بدون وجود این عوامل امکان دستیابی به امنیت انرژی مقدور نیست.امنیت انرژی یعنی تأمین فرآورده‏های انرژی برای‏ مردم.امنیت انرژی شامل عرضه نفت و گاز یا هر نوع انرژی‏ دیگر به خارج و تأمین آن برای بازار جهانی هم هست.این‏ امنیت را در سیاست انرژی و تطابق و هماهنگی آن با منافع‏ ملی هم باید جستجو کرد.آنچه به عنوان بخشی از عوامل‏ امنیت انرژی نام برده شد جزو اصول محسوب می‏شود و پیاده کردن آن کاری است مشکل.

در این شرایط،با وجود فشاری که به ایران وارد می‏شود باید از لحاظ پیاده کردن اصول قدری واقع بینانه‏تر حرکت‏ کنیم.برای دستیابی به‏ پیشرفت و توسعه باید بعضی واقعیت‏های تلخ را پذیرا باشیم.با نگاهی به‏ سیاست‏های انجام شده و عدم توفیق در اجرای آنها، ضرورت این واقع نگری‏ نمایان می‏شود.به طور مثال حدود هشت سال‏ است که از روش«بیع‏ متقابل»برای افزایش‏ ظرفیت انرژی استفاده‏ می‏کنیم ولی طی این مدت‏ نتوانسته‏ایم ظرفیت را به‏ بیش از چهار میلیون بشکه‏ در روز برسانیم.این در حالی است که بسیاری از اعضای اوپک،مانند الجزایر،نیجریه،و حتی‏ کشورهای کوچکی مانند قطر،موفق شدند ظرفیت تولید خود را افزایش دهند.این کشورها برای حفظ منافع خود با شرکت‏های فعال در این زمینه که اکثرا هم غربی هستند به‏ گونه‏ای ارتباط برقرار و تنظیم می‏کنند که این شرکت‏ها با تمایل زیاد از همکاری استقبال می‏کنند.این یک اصل مسلم‏ است که هر سرمایه‏گذار برای حمایت از سرمایه خود به‏ روابط دراز مدت نیاز دارد.

ایران با جلب این شرکت‏ها و نظم دادن به رابط خود می‏تواند در راه تامین منافع ملی گام مهمی بردارد.زیرا اگر این‏ شرکت‏ها نقش و منافعی در بهره‏برداری از منابع برای خود احساس کنند،در صورت اعمال فشاری از خارج بر ایران،آنها برای حفظ منافع خود،دولتهایشان را تحت فشار قرار خواهند داد که به نفع ایران وارد عمل شوند.با توجه به این واقعیت‏ها ایران باید در زمینه انرژی سیاستی در پیش گیرد که تضمین کننده‏ رابطه گسترده‏اش با جهان باشد.